دختران خانه همدم

تعدادی از دختران آن‌قدر توانمند شده‌اند که می‌توانند مستقل از دیگر مددجویان زندگی کنند

عکس: مرضیه میرنژاد| شهرآرا

تکتم جاوید
t.javid@shahraranews.ir

گزارش روز

خانه‌ای روبه‌روی مؤسسه با ۲۰دختر که در دو طبقه زندگی می‌کنند. طبقه پایین محل زندگی دختران کوچک‌تر است و طبقه بالا دختران بیش از ۱۲سال ساکن‌اند. غذا می‌پزند، نوبتی ظرف می‌شویند، درس می‌خوانند و در اوقات بیکاری یا کارهای هنری انجام می‌دهند یا با بازی، خودشان را سرگرم می‌کنند. فضای خانه مانند خوابگاه‌های دانشجویی یا خانه‌هایی است که چند دختر قدونیم‌قد دارند؛ طاقچه و تزیینات با سلیقه دخترانه چیده شده و صمیمی است.

چندسالی است که مؤسسه خیریه توان‌بخشی دختران بی‌سرپرست و کم‌توان ذهنی همدم، بخشی از مددجویان خود را که بهره هوشی مرز یا بالاتری داشته و توانایی انجام کارهای شخصی یا اداره خود را دارند، از بدنه مؤسسه جدا کرده است تا ضمن آموزش مهارت‌های زندگی و کارکردن بیرون از مجموعه، هم توانایی‌های بیشتری به دست آورند و هم در صورت امکان ازدواج کنند و زندگی مستقلی تشکیل دهند که برای چندتایی هم این امکان فراهم شده است و تا چندماه دیگر یکی از دختران ازدواج می‌کند.

فضای صمیمی بچه‌ها و اوقات خوش خانه‌شان

یکی دونفرشان را یادم آمد که در روزنامه دیده بودم. دختران همدم یکی از باوفاترین مهمانان روزنامه بودند که روز خبرنگار هرسال را فراموش نمی‌کردند و گروهی برای تبریک می‌آمدند. ندا را باوجود ماسکی که روی صورت دارد قبل از بقیه شناختم؛ چون در گروه موسیقی فعالیت دارد و پیش‌ترها برایمان دکلمه اجرا کرده بود. مدرسه استثنایی می‌رفته اما حالا در خانه و به‌صورت آنلاین درس می‌خواند. آرام است و گاهی لابه‌لای شلوغی دختران حرف می‌زند.

نفیسه از بقیه دختران بزرگ‌تر است و با وجود ماسک و روپوش فرمی که پوشیده، محصل به نظر می‌رسد اما بیست‌وهفت ساله است و می‌گوید: من و دوتا دیگر از دختران نزدیک دوسال‌ونیم در کارخانه بسته‌بندی خشکبار و زعفران کار می‌کردیم. شبیه دیگر پرسنل صبح‌ها می‌رفتیم و عصر برمی‌گشتیم و حقوق می‌گرفتیم اما از وقتی کرونا شایع شده است، خانه‌نشین شده‌ایم.

صبح تا شب دخترها به پختن غذا، انجام وظیفه شخصی، بازی و تفریح و عبادت روی تراسی بزرگ می‌گذرد که معلوم است چه شب‌های باصفایی دارد. مریم از روزهای خوش مؤسسه و حسرت آن‌ها حرف می‌زند: تا یک‌سال پیش مدام دید و بازدید بود یا تفریح و اردو بود یا مهمان می‌آمد. افطارهای ماه رمضان در مؤسسه نبودیم و هرشب مهمان یک خیّر می‌شدیم. هم جشن و شادی داشتیم هم مراسم مذهبی و عزاداری. از همه باصفاتر حرم امام‌رضا(ع) بود که دلمان خیلی برایشان تنگ شده است.

از حرم که اسم می‌آورد بقیه هم گفته‌هایش را تأیید می‌کنند که صبح هرچهارشنبه راهی حرم می‌شدند و گاهی همان‌جا کنار آقا صبحانه می‌خوردند گاهی هم مهمان سفره‌خانه حضرت بودند.

از خانه‌نشینی دلگیرند

مهتاب هم از مهربانی‌های مسئولان مؤسسه در این سال‌ها می‌گوید اما بیش از همه از خانه‌نشستن دلگیر و خسته است: دلم برای بازارچه خودمان خیلی تنگ شده. هرقدر هم که اینجا سر خودمان را گرم کنیم، بازهم دلتنگ هستیم.

مدام از آدم‌های بیرون از مؤسسه می‌خواهد بهداشت را رعایت کنند که بیماری ریشه‌کن شود و آن‌ها هم بتوانند به زندگی عادی برگردند: شما که گردش و مهمانی و سفر می‌روید به فکر ما هم باشید. اگر هم دلتان برای ما نمی‌سوزد، دست‌کم برای سلامتی خودتان رعایت کنید.

می‌دانند کدام مربی پیتزای خوب می‌پزد و دستپختش خوشمزه‌تر است. ندا ماجرای غذایی را تعریف می‌کند که یکی از مربی‌ها به‌عنوان نذری برایشان پخته‌بود. او هم دلتنگ خیران و یاورانی است که به دیدنشان می‌آمدند یا در درس‌ها کمکشان می‌کردند.

هشت تا از دخترها در خانه حضور دارند و زهرا و زینب خواهران دوقلوی چهارده‌ساله برای دیالیز رفته‌اند بیمارستان و در نوبت پیوند کلیه هستند. هم خانه‌هایشان دعا می‌کنند که هرچه زودتر پیوند شوند و از درد و رنج رهایی پیدا کنند.

۲۴ ساعت زندگی کنار دختران

نجمه قائنی، کاردانی مددکاری دارد و یکی از مربیان دختران است. هر شیفت کاری مربی‌ها بیست‌وچهارساعته است. کنارشان می‌مانند و با بچه‌ها زندگی می‌کنند. در این سه‌سالی که کنارشان بوده است، دوران کرونا را سخت‌تر توصیف می‌کند: تا قبل از کرونا، شرایط یک خانه معمولی در اینجا برقرار بود و بچه‌ها مدرسه و سر کار می‌رفتند اما حالا همه از نگار سیزده‌ساله که کوچک‌ترین است تا نفیسه مدام در خانه‌اند.

مربی نقش مادر بچه‌ها را دارد و به همان اندازه دوستش دارند. مراقب درس‌خواندنشان است یا در درس‌ها کمکشان می‌کند، با آن‌ها آشپزی می‌کند و به درددل‌هایشان گوش می‌دهد. شب‌ها هم در گروه‌های بچه‌ها قرار می‌گیرد و باهم بازی می‌کنند. دیگر مواقع هم دختران براساس هر هنری که دارند به کار خود مشغول‌اند.

قائنی می‌گوید: مدت‌هاست هیچ ورود و خروجی در این خانه صورت نمی‌گیرد و آن‌ها هم برای حفظ سلامتی دخترهاست. آن‌ها در خانه هم ماسک می‌زنند؛ زیرا مربی‌ها یا پرسنل به آنجا رفت‌وآمد دارند و ممکن است ناقل کرونا باشند.

در این یک‌سال اگرچه نمی‌توانستند از خانه خارج شوند، در جشنواره‌های فرهنگی و هنری زیادی به‌صورت آنلاین شرکت کرده و مقام آورده‌اند.

توسعه مجموعه برای نگهداری دختران بیشتر

دختران مؤسسه همدم طیف مختلفی از معلولیت دارند که در بخش‌های تربیت‌پذیر، آموزش‌پذیر، وابسته به تخت، سرای سالمندان و... نگهداری می‌شوند. با دکتر زهرا حجت، مدیرعامل مؤسسه، در حیاط گفت‌وگو می‌کنم. حرفش این است که یارانه سازمان بهزیستی کمتر از یک‌سوم هزینه‌هایشان را تأمین می‌کند و بقیه تأمین مایحتاج و مواد مصرفی بر دوش خیران است که اگرچه بیش از یک‌سال است برای حفظ سلامت بچه‌ها در مرکز حضور فیزیکی ندارند، کمک‌هایشان برقرار است و هنوز سفره‌های افطارشان را بین دختران پهن می‌کنند. او می‌گوید اگر کمک‌های مردم و خیّران نباشد، امکان ندارد بتوانیم شرایط خوبی برای دخترانمان مهیا کنیم.

دختران این مؤسسه همه دارو مصرف می‌کنند و نیکوکاران شهر در شرایط کنونی و اقتصادی جامعه نگذاشته‌اند که کمبودی رخ بدهد.

آنچه او را هم مانند دختران آزار می‌دهد، خستگی بچه‌هاست و می‌گوید: مدت‌هاست هیچ اردو، بازدید و برنامه تفریحی خارج و داخل مجموعه نداشته‌ایم و بچه‌ها به‌شدت خسته و دلتنگ هستند و قانع کردن آن‌ها برای توضیح شرایط موجود در جامعه هم گاهی بی‌نتیجه است. حجت به جشنواره‌ها و مسابقاتی اشاره می‌کند که دختران مؤسسه در یک سال گذشته در آن‌ها شرکت کرده و مقام آورده‌اند و درباره برنامه‌های دردست اقدام مجموعه اضافه می‌کند: تعداد زیادی خانواده که فرزندان معلول داشته‌اند و امکان نگهداری آنان را ندارند متقاضی سپردن فرزند خود به مؤسسه هستند اما با داشتن ۴۰۰دختر مقیم مرکز، امکان افزودن مددجویان دیگری که در نوبت هستند، فراهم نیست و برنامه آینده ما توسعه مؤسسه است.

گفت‌وگو

عضو هیئت‌علمی جهاد دانشگاهی مشهد از جایگاه زنان در جامعه ایرانی میگوید

نگاه «زن‌ستیزی» در زنان بیش از مردان است

الهام مهدیزاده
e.mahdizadeh@shahraranews.ir

تا سر رسید افق ۱۴۰۴ (همان برنامه بیست‌ساله کشور برای دستیابی جایگاه نخست در منطقه) چند سال بیشتر نمانده است. در چند دهه اخیر به‌ویژه از دهه ۷۰ مسئولان، بخش عمده قول‌هایشان را براساس این افق تنظیم می‌کردند. در این چشم‌انداز بر نقش زنان در جبهه فرهنگی تأکید فراوان شده است؛ زیرا بر پایه این راهبرد بیست‌ساله کشور، زنان جایگاه استادی و مربی‌گری جامعه را دارند. بنابراین تا افق ۱۴۰۴ باید زنان خط مقدم مدیریت امور اجتماعی و اقتصادی قرار گیرند. همچنین به جایگاه زنان در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها به‌ویژه نقش‌سازنده آنان تأکید فراوان شده است. تا ۱۴۰۴ چند سال بیش نمانده است. در این راستا شهرآرا در گفت‌وگو با سعید شریعتی مزینانی، عضو هیئت‌علمی گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد، به جایگاه زنان، دستاوردها و ضعف‌های احتمالی در این حوزه پرداخته است.

در کارنامه سعید شریعتی مزینانی چند مقاله و کار پژوهشی در حوزه زنان نظیر پژوهشی با موضوع زنان و امنیت فضاهای عمومی برای بانوان دیده می‌شود.

سؤال نخست ما درباره افق ۱۴۰۴ و دستیابی به چشم‌اندازی است که مسئولان در حوزه زنان از آن یاد می‌کنند. با توجه به نزدیک بودن به این افق زمانی، دیدگاه شما درباره تحقق این برنامه‌ها برای منزلت‌دادن به بانوان و حضور اثرگذار آنان در جامعه چیست؟

پاسخ من درباره جایگاه زنان در افق ۱۴۰۴ با استناد به سخنرانی‌ها و قول‌های مسئولان نیست؛ پاسخ من بر پایه تجربه پژوهشی و نمود ظاهری جامعه است. باید تأکید کنم که نمی‌توان نگاه صفر و صد یا پاسخ بله و خیر برای این پرسش داشت. به عنوان مثال نمی‌توانیم به‌صورت قاطع بگوییم که به اهدافمان دست یافته‌ایم یا نه. بنابراین برای ارائه پاسخی جامع‌تر باید به سطوح مختلف اهداف ترسیم‌شده از جمله خود جامعه زنان و نقش و حضور آنان در سطوح کلان و تصمیم‌ساز نگاه کرد.

جایگاه زنان پس از انقلاب و به‌ویژه در دهه‌های پایانی ۱۳۰۰ با یک تحول عمیق همراه بود؛ تحولی که ظهور و بروز فعالیت‌های اجتماعی زنان را عینیت بخشید. رشد تأمل‌برانگیز تحصیلات عالی و حضور زنان در نقش‌های اجتماعی، شاهدی بر تحول جایگاه زنان در جامعه است. زنان در دهه‌های پایانی ۱۳۰۰ توانستند علاوه‌بر سهم مادری و همسری، سهم دیگری در قالب و نقش‌های مختلف اعم از نقش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی تعریف کنند.

بنابراین می‌توان این نتیجه را گرفت که زنان به چشم‌انداز ترسیم‌شده نزدیک شده‌اند و توانسته‌اند سهم و جایگاه خود در جامعه را تثبیت کنند؟

همان‌طور که در ابتدا اشاره کردم، نمی‌توان به این موضوع نگاه صفر و صدی داشت. در کنار پیشرفت‌های اخیر زنان در اجتماع باید به سطوح دیگر نقش‌آفرینی آن‌ها نیز توجه کرد. به دیدگاه من، نگاه و زاویه دیگری که برای جایگاه حضور زنان باید بررسی کرد، جایگاه و اثرگذاری زنان در سطوح نهادهای رسمی، تصمیم‌گیر و قانون‌گذار است و اینکه سهم زنان در این حوزه‌ها چقدر است. اگر بخواهیم مصداقی صحبت کنیم، در نهاد کلانی مانند مجلس که یک نهاد قانون‌گذار است، هیچ‌گونه منعی برای حضور زنان وجود ندارد و آن‌ها می‌توانند خود را همانند مردان در معرض انتخاب قرار دهند اما حضور زنان در همه دوره‌های مجلس شورای اسلامی، کمتر از ۱۰ درصد بوده است. به عبارت دیگر زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، نتوانسته‌اند در این سطوح عالی به جایگاه حقیقی خود دست یابند.

بنابراین این نقد درباره جایگاه زنان در سطوح عالی وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان سهم چندانی ندارند و می‌توان گفت فاصله زیادی دارند.

به سطوح کلان تصمیم‌گیری و حضور اندک بانوان در این حوزه اشاره کردید. برخی از تحلیلگران بر این باورند که خود زنان در پذیرش هم‌جنس خود برای سطوح عالی مقاومت می‌کنند و خواهان حضور دیگر زنان در سطوح عالی نیستند. مثلا زنان نیمی از آرای هر انتخاباتی را می‌توانند داشته باشند با این حال رغبتی به رأی‌دادن به هم‌جنس خود ندارند. این دلیل را در دورشدن زنان از سطوح عالی مؤثر می‌دانید؟

یک نکته تکمیلی به گفته‌های قبلی خودم که به‌نوعی پاسخ این سؤال است، باید اضافه کنم؛ آن هم اینکه الزاما حضور پر تعداد زنان به معنای نقش‌آفرینی گسترده و تصمیم‌ساز نیست. در برخی امور، زنان کمتر وارد شده اما موفقیت‌هایی بیش از مردان داشته‌اند. اما پاسخ سؤال شما را باید درمیان خود زنان جست‌وجو کرد. متأسفانه نگاه زن‌ستیزی در زنان بیش از مردان است. همین مسئله می‌تواند در موفق نبودن زنان برای کسب کرسی‌های تصمیم‌ساز و عالی کشور مؤثر باشد.

ریشه‌های باورنداشتن زنان برای دادن فرصت به حضور هم‌جنس خود در سطوح عالی را در چه محورهایی ارزیابی می‌کنید؟

به اعتقاد من، یکی از اصلی‌ترین دلایل باورنداشتن زنان به یکدیگر برای سپردن مسئولیت‌های اجتماعی، نبود فرهنگ گفت‌وگو و شناخت آنان و نیز نبود فرصتی برای تجربه‌اندوزی در سطوح عالی است. اما چرایی نبود این باور و فرهنگ اعتماد و فرصت‌دادن به هم‌جنس خود را می‌توان در معنای لغوی فرهنگ جست‌وجو کرد. فرهنگ به‌معنای تجربه و تکرار است. به‌عبارت دیگر برای فرهنگ‌شدن قوانین شهروندی باید تجربه، تکرار و فرصت حضور وجود داشته باشد تا این فرهنگ شکل بگیرد. درباره زنان و باورنداشتن به یکدیگر نیز همین نکته وجود دارد. زنان فرصت با هم بودن، تمرین گفت‌وگو و تجربه درباره مسائل کلان را چندان در اختیار نداشته‌اند. بنابراین تا زمانی که این گفت‌وگوها و تمرین‌ها در سطوح عالی برای زنان صورت نگیرد، آنان نمی‌توانند به هم‌جنس‌های خود اعتماد داشته باشند.

نقش مردان در دوری زنان از حوزه‌های تصمیم‌گیر و عالی چیست؟

تا جایی که من اطلاعات دارم، پژوهشی درباره اینکه آیا مردان بیشتر از خود زنان مخالف حضور بانوان در سطوح اثرگذار جامعه هستند، انجام نگرفته است. بنابراین توضیحات من بر اساس نظرات شخصی و احتمالاتی است که از شرایط کنونی جامعه می‌توان برداشت کرد. در دیدگاهی این چنین مطرح است که جدا از خود زنان، مردان نیز برای حضور زنان در سطوح اثرگذار و مهم، مقاومت می‌کنند. شاید دلایل این مقاومت را در محورها و ریشه‌هایی نظیر کاهش فرصت‌های اشتغال برای مردان و ضرورت اقتصادی اشغال بتوان بررسی کرد. دیدگاه مردان درباره کاهش کیفیت شرایط خانه به‌دلیل دل‌مشغولی‌های بانوان برای رسیدگی امور شغلی، دیگر دلیلی است که می‌توان به آن اشاره کرد. اما همان‌طور که در ابتدا اشاره کردم، زنان در سال‌های اخیر حضور پررنگ‌تری داشته‌اند و برای نقش‌آفرینی اثرگذار آنان، تلاش‌هایی از سوی جامعه زنان در حال انجام است. بنابراین می‌توان گفت که مطالبه‌گری زنان برای مشارکت‌های اجتماعی، آینده‌ای متفاوت برای آنان و نقش‌آفرینی‌شان ترسیم می‌کند.

شریعتی‌مزینانی:
برای فرهنگ‌شدن قوانین شهروندی باید تجربه، تکرار و فرصت حضور وجود داشته باشد تا این فرهنگ شکل بگیرد. درباره زنان و باورنداشتن به یکدیگر نیز همین نکته وجود دارد. زنان تمرین گفت‌وگو و تجربه درباره مسائل کلان را چندان در اختیار نداشته‌اند

جایگاه زنان پس از انقلاب و به‌ویژه در دهه‌های پایانی ۱۳۰۰ با یک تحول عمیق همراه بود؛ تحولی که ظهور و بروز فعالیت‌های اجتماعی زنان را عینیت بخشید. رشد تأمل‌برانگیز تحصیلات عالی و حضور زنان در نقش‌های اجتماعی، شاهدی بر تحول جایگاه زنان در جامعه است

با ما در ارتباط باشید

پیام مردم

رایانامه info@shahrara.com
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ — ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰

اتحادیه لاستیک‌فروشی‌ها

محمد اوسو| بر فروش لاستیک خودرو با نرخ دولتی در استان خراسان نظارت شدیدی داشته باشید. لاستیک ایرانی با کارت خودرو ۹۵۰هزار تومان است؛ ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان هم اجباری به‌عنوان هزینه باز و بسته کردن لاستیک‌ها می‌گیرند!

درست نیست، چه اجباری است که لاستیک در همان محل تعویض شود؟ همچنین نرخ لاستیک دولتی مصوب را هم پیگیری کنید که چقدر است.

شهرداری

شهروند| سال ۹۸ پیگیر آسفالت و جدول کشی نظام‌دوست ۶ در طبرسی شمالی ۴ شدیم. بعد از یک سال آمدند و فقط لکه‌گیری کردند. مراجعه که می‌کنیم، جواب درستی نمی‌دهند. چکار باید کرد؟

شهروند| از عبور کوه‌نوردان از مسیر انتهای دلاوران به کوه جلوگیری نفرمایید؛ به خدا کوه از پارک ملت و داخل اتوبوس و مترو سالم‌تر است. بعد از ظهرها ابتدای پله‌های ورودی به کوه پارک شاهد صحنه‌های زشتی مثل سوت‌زدن ممتد و دنبال کردن مردم توسط مأموران هستیم. این رفتار شایسته شهر و شهرداری نیست. چون شعار شهرداری «مشهد، شهر امید و زندگی» است، جلو سلامتی و امید به زندگی مردم را نگیرید.

علوم پزشکی

بیگی| چرا دانشگاه علوم پزشکی مشهد با علم به اینکه مشهد در شرایط قرمز کرونا قرار دارد و بیمارستان آموزشی لبریز از بیماران کرونایی است، اصرار به حضور دانشجویان پزشکی دوره استاژری در بیمارستان دارد؟ اگر اتفاقی برای دانشجویان یا خانواده‌هایشان بیفتد، چه کسی پاسخ‌گوست؟

کرامتی| لعنت به این نظارت‌ها! یک پاساژ را تعطیل می‌کنند، بعد چند روز، کسبه آن پاساژ وقتی می‌بینند همه جا باز است، آن‌ها هم می‌روند و پاساژشان را باز می‌کنند. این شده یک دور باطل. آن‌هایی را که ناتوان در نظارت‌اند، به مردم معرفی کنید، تا مردم بدانند چه کسانی با جان و سلامت مردم شوخی می‌کنند. الان همه مجتمع‌های تجاری مشهد بدون استثنا باز هستند. اگر این‌طوری است اعلام عمومی کنید که مردم تکلیفشان را بدانند.

نیروی انتظامی

محمدامیرا| تکلیف زمین‌های نیروی انتظامی آخر صدف چه تاریخی مشخص می‌شود؟ سند ملکی هم داریم؛ پیر شدیم. ۲۵ سال بلاتکلیف هستیم! پیگیری کنید.

شهروند| افراد زیادی بدون ماسک در شهر رفت‌وآمد می‌کنند؛ چرا پلیس تذکر نمی‌دهد؟

استانداری

تاج‌گلی| چرا در ماه رمضان ساعت کار ادارات تغییر نمی‌کند و چرا کارمندان ادارات ساعت ۷:۳۰ تا ۱۴ سر کار می‌روند و کارمندان بانک‌ها ساعت ۸ تا ۱۳:۳۰؟ ظلم نیست؟! استانداری و دیوان عدالت اداری پیگیری کنند.

بنیاد شهید و امور ایثارگران

۰۹۳۵...۳۸۰| جانبار ۲۵ درصد هستم. به‌واسطه بیماری هیچ شغلی ندارم. مستأجر هم هستم. ماهیانه مبلغ یک‌میلیون و ۶۰۰هزار تومان از دولت می‌گیرم. حالا جماعتی که هر جا می‌نشینند، می‌گویند «همه‌چیز مال جانبازان است» خودشان کلاهشان را قاضی کنند که من چه جوری زنده‌ام! از ریاست بنیاد جانبازان بپرسید که چقدر حقوق می‌گیرد؛ آیا با حقوقی که می‌گیرد، می‌تواند زندگی را بگرداند؟ من جانباز که هیچ منبع درآمدی نداشته‌ام و ندارم با سه سر عائله و اجاره خانه چه گلی به سرم بزنم؟

یارانه

۰۹۳۵...۱۶۰| کجا رفت یارانه دوبرابری سال جدید دولت؟

سهام عدالت

شهروند| از سازمان خصوصی‌سازی بپرسید چرا سود سهام عدالت واریز نشده است؛ گفته بودند قبل از ماه رمضان واریز می‌شود. چرا اداره کار و وزیر کار و شورای شهر به کارگران که بیمه دارند بسته معیشتی ماه رمضان نمی‌دهند؟

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری

شهروند| چرا یارانه معیشتی که گفته‌اند برای یک نفر ۵۵هزار تومان است، بانک سپه ۵۳ هزار و ۸۰۰ واریز کرده؟ از اداره رفاه، کار و تأمین اجتماعی و سرپرستی بانک سپه بپرسید.

بازرسی

ابراهیم‌نژاد| چرا سازمان بازرسی کل کشور که وظیفه نظارتی دارد به مشکل و معضل اضافه کردن بی‌منطق اجاره خانه‌ها و اجاره مغازه‌ها ورود نمی‌کند؟ مگر خانه تولیدکننده یا چیزی است که سال به سال اجاره‌اش بالا رود! مگر از در و دیوار و آجرش کم می‌شود؟ دولت و مجلس مقصرند که جلو چنین اجحافی را نمی‌گیرند.

اجتماعی

نجفی| روزی که از منشور «کرامت انسانی» رونمایی شد، خیلی امیدوار شدم که به شخصیت ما احترام بیشتری گذاشته خواهد شد ولی حالا وقتی می‌بینم با وجود چندین‌برابر شدن هزینه‌های زندگی، هنوز یارانه ۴۵ تومانی را دریافت می‌کنیم و برای معمولی‌ترین نیازهای حیاتی که غذاست به مشکل خورده‌ایم و باید در صف‌های طولانی بایستیم، با خودم می‌گویم نکند مسئولان ما را... فرض کرده‌اند که این‌جور سیاست یک بام و دو هوا را پیش می‌گیرند.

فرهنگ شهروندی

شهروند| بی‌تفاوت به دوروبر خود نباشیم؛ اضافه غذاها را در سطل آشغال نیندازیم، به حیوانات بدهیم.

شرکت برق

گروسی| چهارشنبه ۲۵فروردین ساعت ۱۸ تا ۱۸:۰۵ شش بار برق انتهای شهرک رجایی قطع و وصل شد. ما که تلویزیونمان را دفعه قبل به همین خاطر از دست دادیم، از ترس، همه وسایل برقی‌مان را تا نیم‌ساعت از برق کشیدیم. وقتی یخچال را به برق زدیم تا دو ساعت کار نمی‌کرد! چرا باید شرکت برق این‌قدر بی‌فکر و مردم‌آزار باشد که بدون اطلاع قبلی، برق را به‌صورت رگباری قطع و وصل کند؟ برعکس پایین شهر، اگر همین شرکت برق بخواهد برق منطقه‌ای در بالای شهر را قطع کند، با روش‌های گوناگون خبر می‌دهد.

سازمان تاکسی‌رانی

۰۹۱۵...۷۷۳| چه خوب است تاکسی‌رانی مشهد از فرزندان رانندگان تاکسی که دانشجو هستند و معدل الف و ممتاز رشته خود در دانشگاه دولتی شده‌اند، در روزنامه شهرآرا تجلیل کند و هدایایی بدهد؛ همچنین شهرداری از همسران کارکنانی که دانشجو هستند، قدردانی کند.

سازمان ترافیک

سعید| پروژه‌های ترافیکی و ایجاد راه‌های مواصلاتی برای مشهد و حومه طرقبه‌شاندیز، بسیار لازم و ضروری است.

شهروند| کف پایانه آزادی در ناحیه اتوبوس‌هاش خیلی لغزنده و خطرناک است. گویا سرویس بهداشتی همگانی هم ندارد.

شهروند| پایانه آزادی خوب شده ولی خیلی بد شده که زیر گذر به‌سمت دانشگاه و پارک بسته شده است. این مسیر را می‌شد به‌عنوان یک گذر فرهنگی باز کنند. خیلی عالی می‌شد و رونق زیادی می‌گرفت.